

## δ دیدگاه متمایز مدویدف و پوتین به دموکراسی و حقوق بشر الهه کریمی\*

### مقدمه

ولادیمیر پوتین زمانی لیبرال‌ها و رهبران گروه‌های حقوق بشر را «شغال‌هایی» که به دنبال کمک از سوی سفارت خانه‌های خارجی هستند توصیف کرد، اما دمتری مدویدف شاگرد و جانشین پوتین، اخیراً با برخی از این افراد دیدار کرد و ضمن تحسین کار آنها، اظهار داشت که با آنها ناعادلانه رفتار شده است. مطلب حاضر نگاهی به تفاوت‌ها و تمایزهای موجود در دیدگاه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر روسیه به دموکراسی و حقوق بشر دارد.

### مدویدف و حقوق بشر

به نظر می‌رسد مدویدف به تازگی برای نشان دادن تمایلات به ظاهر لیبرال خود و متمایز کردن خود از پوتین، خود را به دردمس انداخته است. مدویدف ابتدا با روزنامه «نویا گازتا» که شدیداً مخالف کرملین است و خبرنگاران آن در سال‌های اخیر کشته یا مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، مصاحبه کرد. وی سپس در ۱۵ آوریل با فعالان حقوق بشر و گروه‌های حامی مرتبط با آنها دیدار کرد. این گروه‌ها مدت‌ها از آزار و اذیت دولت علیه خود شکایت کرده و اکنون در چنان جو ارباب و تهدیدی فعالیت می‌کنند که برخی رهبران‌شان برای خود محافظ شخصی استخدام کرده‌اند. مدویدف در این نشست نوعی عذرخواهی را اعلام کرد که به ندرت از طرف پوتین صورت می‌گرفت و اظهار داشت «بر کسی پوشیده نیست که درک و استنباط از فعالیت‌های حقوق بشر در کشور ما به طور جدی تحریف شده است. بسیاری از مقامات اکنون بر این باورند که تمام سازمان‌های غیر دولتی دشمن کشور هستند و باید با آنها

مبارزه کرد تا آنها نوعی بیماری را که ممکن است پایه‌های جامع ما را تضعیف کند، انتقال ندهند. فکر می‌کنم چنین تفسیری کاملاً خطرناک است.» اگر سخنان مدودیف برای این گروه‌ها دلگرم کننده بوده، ولی با عمل همراه نشده است و در کل حتی تشخیص یک تغییر کوچک در نحوه حفظ قدرت از سوی کرملین تحت رهبری مدودیف دشوار است.

به نظر می‌رسد انتخابات اخیر شهرداری در سوچی، میزبان المپیک زمستانی سال ۲۰۱۴، با همان تکنیک‌های رایج در دوره پوتین سازماندهی شده است. کاندیداهای مخالف یا از انتخابات اخراج شدند و یا تحت تبلیغات تلویزیونی شدیداً خصمانه قرار گرفتند. کاندیدای مورد نظر کرملین ۷۷ درصد آرا را از آن خود کرد.

آلکسی سیمونف، رییس بنیاد دفاعی گلاسنوست در مسکو که برای ارتقای آزادی رسانه‌ها تلاش می‌کند و در نشست حضور داشت، گفت: «اکنون مدودیف تنها سخنان خوب به زبان می‌راند. وی این کار را زیاد انجام داده است، اما در این خصوص یک فقدان عمل کامل وجود دارد.» ایرینا یاسینا، یک تحلیلگر موسسه اقتصادی در مسکو که در نشست با مدودیف حضور داشت گفت: «ما آنقدر خواهان بهتر شدن امور هستیم که گاهی اوقات در انتظارات خود از آنچه که در حال وقوع است دچار اشتباه می‌شویم. آنقدر خواستار تفاوت بین پوتین و مدودیف هستیم که گاهی وقت‌ها امید هایمان مانع دیدن واقعیت می‌شوند.» (۱)

مدودیف روز ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹ در سخنرانی اش در کاخ کرملین خطاب به ملت روسیه گفت: «این کشور باید بیشتر بر مبنای دموکراتیک تکیه کند.» (۲) رییس جمهور روسیه ۲۸ دسامبر نیز در جلسه شورای مقننه اعلام کرد که دسترسی احزاب در رسانه‌های منطقه‌ای باید برابر باشد و خاطر نشان ساخت این مسئله دموکراسی است. قانون فدرال در خصوص دسترسی برابر احزاب حاضر در مجلس دومای روسیه در رسانه‌های گروهی از سپتامبر ۲۰۰۹ به جریان افتاد. (۳)

### چالش انتخابات محلی

رئیس جمهور روسیه ۲۱ نوامبر با لحنی شدید مقامات حزب «روسیه متحد» را به واسطه‌ی سوء استفاده از اختیارات و اخلال در روندهای دموکراتیک در جریان انتخابات ماه اکتبر مورد انتقاد قرار داد. اظهارات مدودیف یکی از بی سابقه‌ترین انتقادهای یک مقام رسمی از حزبی به شمار می‌رود که رهبری آن را نخست وزیر پر قدرت روسیه یعنی ولادیمیر پوتین، همان شخصی که عامل اصلی به قدرت رسیدن

مدودیف بود، بر عهده دارد. مدودیف در سخنرانی خود تصریح کرد؛ «وقت آن است که آنها پیروز شدن عادلانه را فرا بگیرند». مدودیف در این سخنرانی افزود: «انتخابات باید بیانگر خواسته‌های مردم در رقابت آزاد اهداف و برنامه‌ها باشد.»

در سال ۲۰۰۹ پیرامون انتخابات منطقه‌ای حادثه جالبی رخ داد. روز رأی‌گیری، به ظاهر حکایت از آن داشت که در روسیه نیز مانند همه کشورهای جهان علاقه مردم به حزب حاکم در زمان بحران افت می‌کند. در هر ۹ منطقه روسیه که یکم مارس ۲۰۰۹ در آنجا انتخابات پارلمان‌های منطقه‌ای برگزار شد، تعداد آرا حزب «روسیه متحد» از انتخابات دومای روسیه در سال ۲۰۰۷ کمتر بود. البته حزب «روسیه متحد» موفق شد نمایندگی خود را در مجالس منطقه‌ای نسبت به انتخابات سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ افزایش دهد، ولی در آن زمان ولادیمیر پوتین هنوز رهبر این حزب نبود. ثانیاً، در اکتبر سال ۲۰۰۸ افزایش آرای این حزب برابر ۲۶ درصد بود، اما این میزان در مارس ۲۰۰۹ از ۱۹ درصد فراتر نرفت. اما این وضعیت پایدار نبود و مردم روسیه پس از گذشت شش ماه مجدداً هواداری خود را از حزب «روسیه متحد» نشان دادند. ۱۱ اکتبر ۲۰۰۹ این حزب در انتخابات سه منطقه فدراسیون روسیه به طور متوسط صاحب ۶۲/۱ درصد آرا شد که نسبت به انتخابات گذشته رشد ۲۸/۱ درصدی را نشان می‌دهد. این پارادوکس می‌تواند فقط دو علت داشته باشد. علت اول توسط خود حزب «روسیه متحد» اعلام شد. این حزب در زمینه مبارزه با بحران تلاش زیادی به عمل آورد که رأی دهندگان با اعلام هواداری خود، از این تلاش‌های حزب حاکم قدردانی کردند. با این وجود باید به این نکته نیز اشاره کرد که مخالفان و ناظران غیروابسته بر تقلب بی‌سابقه در نتایج این انتخابات اصرار و حزب قدرت را متهم به مبادرت عمدی به این اقدام کردند. در این میان، دمتری مدودیف و ولادیمیر پوتین دیدگاه اول را مورد تأکید قرار دادند، در حالی که عده‌ای از جامعه‌شناسان به تفاوت در نتایج رسمی و غیررسمی انتخابات اشاره کرده و ضرورت تأمل در این زمینه را مورد تأکید قرار دادند. دادگاه‌هایی که به شکایات مخالفان رسیدگی کردند، نیز دیدگاه اول را ترجیح دادند. تنها در یکی از حوزه‌های اخذ رأی مسکو بر اساس حکم دادگاه شماری از آراء به نفع حزب «یابلاکا» تغییر کرد، اما این امر برای کمیسیون انتخابات هیچ مشکلی به دنبال نداشت.

خارج از مسکو یک استثناء از قاعده «حق همیشه با کمیسیون انتخابات است» مشاهده شد. دادگاه شهر دربند (داغستان) نتایج جنجال‌برانگیز انتخابات شهردار را که با تخلفات زیادی توأم بود، لغو کرد و حتی به این واقعیت توجه نکرد که برنده این انتخابات، شهردار فعلی و عضو حزب «روسیه متحد» است. بدیهی است که اصل سیاست دمتری مدودیف مبنی بر «آزادی برای خودی‌ها»، دربرگیرنده نه تنها

برتری حزب «روسیه متحد» در همه زمینه‌ها بلکه توجه به منافع مخالفان رسمی است.

دومای روسیه در سال ۲۰۰۹، مانند سال‌های گذشته، همان ماشین تصویب لوایح و طرح‌های کرملین بود که از سال ۲۰۰۳ به نحو ملموسی در فعالیت آن قابل مشاهده است (در انتخابات سال ۲۰۰۳ و همچنین انتخابات دومای پنجم (۲۰۰۷) حزب حاکم (روسیه متحد) در دوما صاحب اکثریت دو سوم آرا شد). در این سال، نمایندگان حزب روسیه متحد به همه ابتکارات ارائه شده از سوی کرملین و دولت، صرفه‌نظر از لیبرال یا غیرلیبرال بودن این طرح‌ها رأی دادند. با این وجود، در سال ۲۰۰۹ در فعالیت دومای روسیه چند گرایش جدید نیز نمود یافت.

اولاً، سه فراکسیون مخالف حزب روسیه متحد بیش از پیش مواضع خود را به یکدیگر نزدیک و در جبهه واحدی علیه یکه‌تازی‌های حزب روسیه متحد قرار گرفتند. این وضعیت به نحوی است که به باور آگاهان امر، چنین فضایی در دوما از سال‌های آشفته دهه‌ی ۱۹۹۰ تا کنون مشاهده نشده بود. درست است که مخالفان در گذشته نیز گاهی در خصوص موضوعی به اتفاق نظر دست می‌یافتند (از جمله علیه پیشنویس بودجه‌های سال)، اما در سال ۲۰۰۹ در موارد زیادی روی تابلوی الکترونیکی دوما ارقام ۳۱۵ رأی موافق (یعنی فقط آرای حزب «روسیه متحد») مشاهده می‌شد که در نوع خود قابل تأمل است. در واقع، همه رأی‌گیری‌ها به نفع ابتکارات ضدبحرانی دولتی تک‌حزبی و متعلق به حزب روسیه متحد بود، در حالی که دولت می‌خواست که همه فراکسیون‌ها به این اقدامات رأی بدهند و یک نوع توافق عمومی در این مورد برقرار شود که واقع امر این گونه نبود.

با این وجود، وحدت اقلیت در دوما هیچ معنی و مفهوم عملی نداشت، زیرا فراکسیون‌های حزب کمونیست، حزب لیبرال دمکرات و حزب «عدالت روسیه» که در مجموع کمتر از یک سوم کرسی‌های دوما را در اختیار دارند، در هیچ حالتی نمی‌توانند مانع از یکه‌تازی‌های حزب حاکم شوند. اما تحریم جلسات پارلمان توسط این سه فراکسیون در ماه اکتبر و پس از انتخابات محلی روسیه نشان داد که آن‌ها می‌توانند نقطه‌نظر خود را به آگاهی مقامات حاکم برسانند. در این زمینه هماهنگی اقدامات آنها مهم بود. اگر بر فرض مثال، نمایندگان حزب «عدالت روسیه» از تحریم جلسات خودداری کرده بودند، این اقدام تأثیر سیاسی به مراتب کمتری داشت، اما این حزب نیز به همراه دو حزب دیگر در این تحریم شرکت کرد. طبق اصول «دمکراسی هدایت‌شده»، وجود یک فراکسیون مخالف در پارلمان امر عادی و در مقابل مطلوب نیست که حتی یک فراکسیون مخالف در پارلمان حضور نداشته باشد. با وجود اینکه هنوز بحث در خصوص دستاوردهای مخالفان از قبیل تحریم جلسات دوما زود است، اما می‌توان به

تأیید بعضی پیشنهادهای آنها توسط رئیس جمهور اشاره کرد که این نیز به نوبه‌ی خود تحول کم‌اهمیتی نیست. (۴)

لازم به ذکر است که در حال حاضر از ۴۵۰ کرسی پارلمان روسیه ۳۱۵ کرسی در اختیار این حزب قرار دارد. پس از انتخابات محلی اکتبر مخالفان، این حزب را به دلیل موارد مکرر تقلب مورد انتقاد قرار دادند. ناظران بین‌المللی، حزب کمونیست و احزاب دیگر با رد نتایج این انتخابات، تأکید کردند که در جریان انتخابات موارد زیادی تقلب صورت گرفته است. برخی از مخالفین نیز تصریح دارند که به آنها اصلاً برای شرکت در انتخابات اجازه داده نشده و آنها برای تبلیغات برنامه‌های خود با موانع جدی رو به رو بوده‌اند. با وجود این انتقادات، هم پوتین و هم مدودیف از حزب «روسیه متحد» ستایش کرده و گفته بودند که موارد ادعایی در مورد تقلب و نقض قانون باید مورد بررسی قرار گیرند. (۵)

### فرمول «آزادی برای خودی‌ها»

مدودیف در زمینه سیاست داخلی به فرمول «آزادی برای خودی‌ها» که در سال ۲۰۰۸ مطرح شد، پایبند ماند. وی از یک سو، آزادسازی نسبی نظام سیاسی را پیشنهاد کرد، در پیام خود به مجمع فدرال تدابیری در جهت گسترش اختیارات احزاب غیرپارلمانی و سازمان‌های غیرتجاری اتخاذ نمود، نقش شورای حقوق بشر ریاست جمهوری را افزایش داد و نسبت به پوتین توجه بیشتری به این مقوله مبذول داشت. اما از سوی دیگر، این آزادسازی شامل مخالفان غیرسیستمی نشده و مخالفت‌های علنی آنها از جمله تظاهرات آنها در فضای پس از انتخابات محلی مانند سابق با شدت تمام سرکوب شد. ابتکارات دمتری مدودیف مانند انتصاب رئیس دادگاه قانون اساسی بر اساس معرفی رئیس جمهور به جای انتخاب وی توسط قضات این دادگاه و تشکیل کمیسیونی جهت مبارزه با تحریف تاریخ، یک بار دیگر ثابت کرد که مردم روسیه در کوتاه مدت از آزادی‌های جدیدی برخوردار نخواهند شد. (۶)

### از حرف تا عمل

منابع خبری روسیه با استناد به گزارش سازمان بین‌المللی «خبرنگاران بدون مرز» اعلام کردند روسیه در مکان سوم جهانی قتل خبرنگاران پس از فیلیپین و سومالی قرار دارد. از ۷۶ خبرنگار کشته شده در سال ۲۰۰۹ میلادی در جهان، پنج نفر در روسیه به قتل رسیدند. (۷) با توجه به اینکه رسانه‌ها رکن چهارم دموکراسی هستند، این آمار بیانگر وضعیت نامطلوب آزادی بیان در روسیه است. همچنین بیش از ۵۰ تن از مخالفان دولت روسیه که عصر روز ۳۱ دسامبر در یکی از میادین شهر مسکو برای دفاع از حقوق

بشر، اجتماع اعتراض آمیز بودن مجوز برپا کرده بودند، توسط نیروهای پلیس و امنیتی این کشور دستگیر شدند. لودمیلا آکسونو رییس شعبه دیده بان حقوق بشر هلسینکی در مسکو از جمله بازداشت شدگان است. (۸)

علاوه بر بحث درباره صداقت دمیتری مدودیف، یک مساله دیگر نیز وجود دارد؛ آیا وی قدرت انجام تغییرات بزرگ در زمینه آزادی‌های مدنی، کثرت گرای سیاسی و موضوعات مرتبط بویژه در دوران بحران اقتصادی را دارد یا خیر؟ البته پوتین همچنان زمام امور را در دست دارد و همانند دوره شوروی سابق، گروه‌های رقیب از مقامات ارشد در کرملین حضور دارند که برخی لیبرال و برخی به طور آشکارا غیر لیبرال هستند. برخی به طور ضمنی گفته‌اند که از دست دادن زمام امور در برهه کنونی که روسیه با بیکاری گسترده و نگرانی ناامنی در مراکز منطقه‌ای مواجه است، یک اشتباه بزرگ محسوب می‌شود. (۹)

### جمع بندی

سخنرانی اخیر مدودیف و به عبارتی مراجعه او به مردم روسیه را باید تلاشی از سوی وی برای به نمایش گذاشتن استقلالش از پوتین ارزیابی کرد. مدودیف ظاهراً تلاش دارد تا خود را از زیر سایه پوتین تا حد امکان رها کرده و استقلالش را حداقل در ظاهر به نمایش بگذارد. در این فضا، توجه بیشتر او به فعالان حقوق بشر و نمایندگان جامعه مدنی از علائمی است که نشان می‌دهد او در قیاس با پوتین، کمتر به دنبال ایجاد نظامی سخت و امنیتی است.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات روسیه / دانشگاه تهران

### منابع:

۱. معمای مقاصد رییس جمهور روسیه، روزنامه مردم سالاری (به نقل از نیویورک تایمز)، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸
۲. صفی الله ابراهیم خیل، روسیه باید دوباره یک "ابر قدرت" شود، دویچه وله ([www.dw-world.de](http://www.dw-world.de))، ۲۰۰۹/۱۱/۱۳
۳. دسترسی احزاب در رسانه‌های منطقه‌ای باید برابر باشد، خبرگزاری ریا نووستی، ۷ دی ۱۳۸۸
۴. دمیتری کامی شیف، فراز و فرودهای روسیه در سال ۲۰۰۹، ایراس ([www.iraneurasia.ir](http://www.iraneurasia.ir))، ۳ دی ۱۳۸۸
۵. مهین‌السادات صمدی، در روسیه چه می‌گذرد؟ ایراس ([www.iraneurasia.ir](http://www.iraneurasia.ir))، ۲ آذر ۱۳۸۸
۶. پیشین، دمیتری کامی شیف
۷. روسیه در مکان سوم جهانی قتل خبرنگاران، ایراس ([www.iraneurasia.ir](http://www.iraneurasia.ir))، ۱۲ دی ۱۳۸۸
۸. دستگیری بیش از ۵۰ معترض در روسیه، ایراس ([www.iraneurasia.ir](http://www.iraneurasia.ir))، ۱۲ دی ۱۳۸۸
۹. پیشین، معمای مقاصد رییس جمهور روسیه